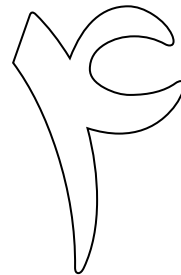


سازوکارهای مقابله با قانون محدودیت مصونیت دولت خارجی امریکا



منوچهر توسلی نائینی*

نادیا عطاران**

* دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران tavassoli2000f@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

تاریخ تصویب: ۹۵/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۰

فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۰۹.

چکیده

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت دولت‌های خارجی (مصوب ۱۹۷۶) را اصلاح کرد. براساس این قانون، اشخاص امریکایی آسیب دیده از حملات تروریستی در هر جای دنیا و یا بازماندگان آنها می‌توانند در محاکم آمریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند. وزارت خارجه آمریکا فهرست دولت‌های حامی تروریسم را مشخص می‌کند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۳ در فهرست دولت‌های حامی تروریسم ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. از این‌رو دعوی بسیاری در سال‌های اخیر علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا مطرح شده است و دادگاه‌های مزبور برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل نیز تاکنون ده‌ها میلیارد دلار رأی علیه ایران صادر کرده‌اند. اما در مواجهه با این قانون راهکار ایران چیست؟ آنچه تاکنون اتفاق افتاده شرکت نکردن در دادگاه‌ها به منظور مشروعیت نبخشیدن به نقض مصونیت دولت‌ها است. مذاکرات دیپلماتیک، طرح مسئله در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یا در دیوان بین‌المللی دادگستری، از جمله اقدامات سیاسی - حقوقی است که می‌تواند برای مقابله با این قانون از سوی ایران انجام شود.

واژه‌های کلیدی: قانون مصونیت دولت‌های خارجی، تروریسم، مصونیت،

دادگاه‌های داخلی، خسارت تنبیهی

مقدمه

روابط ایران و امریکا در طول سی و هفت سال گذشته بسیار خصمانه بوده است. در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، با اشغال سفارت امریکا در ایران و دستگیری ۵۲ تن از کارکنان، اختلاف به شکل علنی میان دو کشور ظاهر شد. دولتمردان امریکا ده روز پس از اشغال سفارت امریکا در تهران به دستور کارتر، رئیس‌جمهور وقت امریکا با اعلام وضعیت فوق‌العاده در روابط ایران و امریکا، تمامی دارایی‌ها و اموال دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به جمهوری اسلامی ایران در ایالات متحده و نزد بانک‌های امریکایی خارج از این کشور را مسدود کردند. در فروردین ۱۳۵۹، امریکا روابط خود را با ایران قطع کرد و در همان سال سعی کرد با یک عملیات نظامی گروگان‌های خود را آزاد کند که این عملیات ناموفق بود و منجر به ماجرای طبس شد. دولت جمهوری اسلامی ایران و امریکا با میانجیگری دولت الجزایر، در ۲۹ دی ۱۳۵۹، ترتیبات و تعهداتی را پذیرفتند و اسنادی را امضا کردند که منجر به بیانیه الجزایر شد. از مهمترین این ترتیبات به تشکیل دیوان داورى دعاوى ایران و امریکا به منظور رسیدگی و حل و فصل برخی دعاوى و اختلافات بین ایران و امریکا و اتباع آنها علیه دولت مقابل بوده است. اما متأسفانه در سال ۱۹۹۶، قانونی در امریکا به تصویب رسید که به این دولت صلاحیت پذیرش دعاوى مالی علیه دولت‌های خارجی را برای خسارات مالی حاصل از فوت یا صدمات بدنی به وسیله عمل شکنجه، قتل خودسرانه، تخریب هواپیما، گروگانگیری یا ارایه حمایت‌های مادی و پولی و... به چنین اعمالی که منتسب به سایر دولت‌ها است، به دادگاه‌های خویش را اعطا می‌کند؛ البته مشروط بر اینکه

خواهان یا قربانی در زمان بروز این اعمال تبعه ایالات متحده بوده و وزارت امور خارجه نیز دولت خارجی را به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی نماید. این قانون در سال ۲۰۰۸ نیز با اصلاحات جدیدی مواجه شد. از زمان تصویب این قانون آرای متعددی در دادگاه‌های ایالات متحده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران صادر شده است. بدین ترتیب دولت ایالات متحده آمریکا با نادیده گرفتن مصونیت قضایی دولت ایران، با انتساب برخی اعمال تروریستی ارتكابی توسط بعضی گروه‌های خارج از ایران و دولت ایران و مقامات ایرانی، مبادرت به صدور و اجرای احکامی مبنی بر پرداخت خسارت علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و له اتباع خود نموده است که تاکنون از مجموع ۵۴ پرونده علیه ایران، ۴۰ پرونده منجر به صدور آرای غیابی شده و ۴ میلیارد دلار به عنوان اصل خسارت و ۶/۵ میلیارد دلار به عنوان خسارت تنبیهی تعیین شده و در مواردی این آرای صادره منجر به توقیف اموال ایران در آمریکا شده است. کنگره آمریکا از دیوان عالی این کشور خواسته با برداشت پول از دارایی‌های مسدود شده ایران موافقت و فرجام‌خواهی بانک مرکزی ایران را در این مورد رد کند. در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶، با تایید دیوان عالی ایالات متحده آمریکا به دادگاه صادر کننده رأی اجازه داده شد از محل سرمایه‌های بلوکه شده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خاک این کشور، نزدیک به ۲ میلیارد دلار را به عنوان غرامت حوادث بمب‌گذاری بیروت و الخبر برداشت کند (Tavassoli Naini, 2016, 251-252). سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اساساً این قانون مطابق اصول حقوق بین‌الملل است؟ در این میان دولت ایران معتقد است که براساس اصل برابری حاکمیت‌ها و مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت نباید مجاز باشند به دعاوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی رسیدگی کنند. سؤال دیگر این است که دولت ایران در این برهه حساس که صدها میلیارد دلار از دارایی‌هایش به مخاطره افتاده است، چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار شده که با توجه به آرای زیادی که در قلمرو آمریکا صادر شده است، ایران دیگر نمی‌تواند در داخل خاک آمریکا راه به جایی برد، لذا بهترین راهکار طرح

دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری است.

۱. سابقه اصلاح قانون مصونیت دولتها

در سال ۱۸۱۲ که قضیه اسکونر اکسپنچ در محاکم ایالات متحده مطرح شد، دیوان عالی فدرال بیان داشت که محاکم این کشور در مورد کشتی جنگی متعلق به دولت خارجی که در بنادر ایالات متحده لنگر انداخته است، صلاحیت رسیدگی ندارد. قاضی پرونده در این قضیه اظهار داشت که مصونیت دولتهای خارجی، ناشی از اصول برابری و استقلال دولتهای حاکم بوده و حفظ روابط دوستانه حایز اهمیت است. وی عنوان کرد که اگرچه هر دولتی صلاحیت کامل و مطلقاً در قلمرو سرزمینی خویش دارد، اما این صلاحیت با توجه به رضایت عام دولت سرزمینی به دولتهای خارجی سرایت نمی‌کند.^(۱) در سال ۱۹۷۶، کنگره با تصویب قانون مصونیت دولتهای خارجی، درصدد تقویت محاکم در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به مصونیت دولتهای خارجی برآمد. قانون مزبور بیان می‌دارد که دولتهای خارجی و نهادها یا عوامل آنها، از صلاحیت محاکم امریکا مصون خواهند بود به استثنای موارد مندرج در بخش ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ این قانون، این استثنای از جمله شامل مواردی همچون: ۱- صرف نظر از مصونیت؛ ۲- اعمال تجاری؛ ۳- دعوی سلب مالکیت‌ها؛ ۴- در پی نقض حقوق بین‌الملل -شبه جرم‌های ارتكابی دولت خارجی و ۵- دعوی متقابل است. براساس این قانون دولتهای خارجی در قبال صلاحیت قضایی محاکم فدرال و ایالتی ایالات متحده از مصونیت مطلق برخوردارند، مگر آنکه قضیه‌ای مشمول یکی از استثنایهای مندرج در قانون مصونیت شود.^(۲) طبق این قانون قربانیان حوادث تروریستی از استثنای محاکمه دولتهای خارجی حامی تروریسم با استناد به قاعده مصونیت دولت محروم بودند؛ زیرا در این قانون به این مسئله اصلاً اشاره نشده بود تا اینکه بعد از حوادث تروریستی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رخ داد، مثل آدم ربایی یوسف سیسی پیو^۱ در بیروت و یا سقوط هواپیمای پان‌امریکن ۱۰۳ برفراز لاکربی^(۳) در اسکاتلند، به کنگره فرصت مناسبی را در راستای اصلاح قانون و درج

استثنای دولت حامی تروریسم اعطا کرد.^(۴)

از سال ۱۹۹۶ که کنگره تصمیم به اصلاح قانون مصونیت دولت‌های خارجی گرفت و مصونیت دولت‌های حامی تروریسم را از بین برد، پرونده‌های بسیاری تحت این قانون مورد بررسی قرار گرفتند. نادیده گرفته شدن مصونیت بر طبق قانون در مواردی بود که خسارت مالی در برابر صدمه شخصی یا مرگ به دلیل شکنجه، قتل، خرابکاری هواپیما و گروگان‌گیری اتفاق می‌افتاد و دولتی حمایت مادی از این موارد کرده بود؛ آن هم در زمانی که این دولت به طور رسمی در لیست دولت‌های حامی تروریسم امریکا قرار گرفته بود. قربانیان تروریسم ادعاهایی به طور مستقیم علیه دولت‌های خارجی تحت عنوان حامی تروریسم مطرح می‌کردند و در این ادعاها به پرونده فلاتو و دکترین مسئولیت دولت‌ها اشاره می‌کردند. این دکترین بیان می‌دارد که دولتی که سازمان‌های تروریستی را حمایت مادی می‌کند، مسئول جرم‌های انجام گرفته توسط آن سازمان است. حمایت از تروریسم شامل موارد زیر می‌شود:

ارائه حمایت‌های مادی و یا کمک به یک گروه تروریستی به عنوان ارائه ارز یا سایر اوراق بهادار مالی، خدمات مالی مسکن، آموزش، خانه‌های امن، اسناد نادرست یا تجهیزات ارتباطات شناسایی، امکانات از قبیل سلاح‌های کشنده و مواد منفجره، پرسنل، حمل و نقل و سایر دارایی‌های فیزیکی را در برمی‌گیرد. اما کمک‌های بشردوستانه به افراد را که به طور مستقیم در این موارد نقض درگیر نیست را شامل نمی‌شود^(۵). (Hunt, 2013, 445).

این قانون در سال ۲۰۰۸ به وسیله «قانون مجوز دفاع ملی امریکا»^(۶) نسخ شد. این قانون شامل هرگونه خسارت مالی یا جانی یا مرگ که به وسیله شکنجه، قتل، خرابکاری هواپیما، گروگان‌گیری و یا ارائه منابع یا حمایت مادی از این عمل توسط مقامات، کارمندان و یا عوامل دولت خارجی انجام گیرد، در حالیکه این عمل در حوزه اداری، اشتغال یا سازمان خود بوده است. علاوه بر این استثنا تنها زمانی اعمال می‌شود که دولت خارجی به طور رسمی در لیست دولت‌های حامی تروریسم در زمان انجام عمل یا نتیجه عمل قرار گرفته باشد. مدعی یا قربانی ملیت

ایالات متحده آمریکا را داشته باشد یا عضوی از نیروهای مسلح یا یک کارمند یا پیمانکار در ایالات متحده باشد و در حوزه اشتغالش اقدام کرده باشد. این قانون به خواهان این اجازه را می‌دهد تا به اموال دولت خارجی مراجعه کند و در حین دادرسی، هم این اموال را توقیف کند و هرگونه اموالی را که دولت خارجی بر روی آن مالکیت دارد را به عنوان اجرای حکم به دست بیاورد.

برای این منظور، یک دولت خارجی به عنوان دولتی که بارها و بارها از اقدامات تروریسم بین‌المللی پشتیبانی کرده باید توسط وزارت امور خارجه تعیین شود که در قانون اداره صادرات ۱۹۷۹ و قانون کمک‌های خارجی ۱۹۶۱ و کنترل صادرات تسلیحات ذکر شده است. در لیستی که به طور رسمی در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، نام چهار کشور کوبا، ایران، سودان و سوریه به عنوان دولت‌های حامی تروریسم ذکر شده است (Stewart, 2013, 81-82). همانگونه که مشاهده می‌شود، مقررات قانون جدید از لحاظ کلیت آن، تفاوت چندانی با قانون ۱۹۹۶ ندارد.

هدف از تصویب قانون جدید به این شرح است: - اعطای حق اقامه دعوای مستقل علیه کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم به خواهان‌های آمریکایی؛ - تجویز صدور حکم به خسارات تنبیهی علیه دولت خواننده در این قضایا؛ - پیش‌بینی حق الزحمه کارشناسانی که در این قضایا با دادگاه همکاری می‌کنند؛ - تسهیل اجرای احکام صادرشده (کدخدایی، ۱۳۸۹: ۱۵).

کنگره آمریکا همچنین در سال ۲۰۱۶، قانون «اجرای عدالت در برابر حامیان تروریسم» موسوم به جاستا را تصویب کرد. براساس این قانون، دادگاه فدرال اجازه دارد به ادعای خسارت علیه یک کشور خارجی که موجب آسیب فیزیکی به فرد، اموال یا مرگ یک شخص در داخل آمریکا شده است رسیدگی کند. این اقدامات شامل اقدامات تروریستی است و شبه‌جرم در هر نقطه توسط یک مقام رسمی، عامل و یا کارمند یک دولت خارجی که در حوزه اشتغال متعهد است، می‌شود. این قانون در واقع برای بازماندگان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر تصویب شده است.^(۷) با توجه به شائبه دست داشتن عربستان سعودی در ماجرای ۱۱ سپتامبر و داشتن اموال زیاد این کشور در آمریکا، تصویب این قانون نگرانی

زیادی را در میان سعودی‌ها ایجاد کرده است. گرچه دولت امریکا در سیاستی دوگانه این قانون را وتو نمود، لیکن اصرار کنگره بر این قانون می‌تواند دولت امریکا را با چالش‌هایی در صحنه بین‌المللی روبرو سازد.

۲. اجرای احکام دادگاه‌های داخلی

در ایالت‌های مختلف و حتی دواير شعبه‌های مختلف و حتی دواير شعبه‌های متفاوت دادگاه‌های ایالتی امریکا دریافت‌های متفاوتی از تعریف تروریسم، مشارکت یا حمایت از فعالیت‌های تروریستی وجود دارد که این حوزه موجب صدور آرای متفاوت قضایی می‌شود. چنان که دادگاه فدرال در شیکاگوی امریکا شاکیان اسرائیلی پرونده بمب‌گذاری سال ۱۹۹۷ را مجاز ندانست الواح هخامنشی در موزه‌های شیکاگو را به جای غرامت تحویل بگیرند؛^(۸) چون قاضی این پرونده استناد کرد که این آثار برای پژوهش‌های باستان‌شناسی در اختیار موسسه شیکاگو قرار گرفته و اهداف تجاری در آن وجود ندارد بنابراین نمی‌توان آنها را مصادره کرد. پیشتر هم قاضی شعبه هفت دادگاه سیار تجدیدنظر در ایالت ایلینوی امریکا حکم دادگاه بدوی را لغو کرده بود که با ضبط و فروش آثار باستانی ایران به منظور پرداخت غرامت به قربانیان امریکایی موافقت کرده بود.^(۹) اما موارد دیگری در طی این سال‌ها اتفاق افتاده است که دارایی‌های مالی ایران در امریکا مورد حکم قرار گرفته است. قانون بیمه خطرات ناشی از تروریسم در سال ۲۰۰۲، با امضای جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا لازم‌الاجرا شد. این قانون به دادگاه‌های امریکا اجازه می‌دهد بدون توجه به این‌گونه ارتباط اموال و دارایی‌های بلوکه شده محکوم علیه با اعمال تروریستی موضوع حکم، این اموال را برای اجرای حکم ضبط و توقیف نماید. بعد از تصویب این قوانین بود که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده با اجازه کنگره مبالغی از دارایی‌های بلوکه شده ایران در خاک این کشور را برای اجرای چند حکم صادر شده آزاد نمود (Terrorism 2002 Risk Insurance Act). بر طبق ماده ۱۶۱۰ قانون مصونیت دولت‌های خارجی مالی که مورد اجرای حکم واقع می‌شود: ۱- باید در امریکا واقع باشد؛ ۲- برای فعالیت‌های تجاری مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین این اموال باید در زمانی که

دادگاه اجازه اجرای حکم را می‌دهد در امریکا باشند (Stewart, 2013).

در سطور ذیل به پرونده‌های مهمی می‌پردازیم که در سال‌های اخیر حکم آنها در ایالات متحده اجرا شده یا در خطر اجرا بوده است:

بنیاد علوی: در ۲۰ دسامبر سال ۲۰۰۸، پلیس فدرال امریکا رئیس بنیاد علوی را در ارتباط با یک پرونده مالی مربوط به بانک ملی ایران بازداشت کرد. وی متهم بود سعی در نابود کردن اسنادی داشته که ثابت می‌کند این بنیاد اجاره‌بهای ساختمان‌های متعلق به خود را از طریق شرکت آسا در اختیار بانک ملی گذاشته است. بانک ملی ایران به دلیل پشتیبانی مالی از برنامه اتمی ایران تحت تحریم بود. دادستان فدرال نیویورک بر همین اساس درخواست ضبط دارایی‌های بنیاد علوی را که شامل حساب‌های بانکی به ارزش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار، یک ساختمان ۳۶ طبقه در خیابان پنجم نیویورک، چهار مسجد شیعه در نیویورک، مریلند، کالیفرنیا و هیوستون و مراکز اسلامی آن در مریلند، ویرجینیا، کالیفرنیا و تگزاس می‌شود را صادر کرد. در میان بستانکاران خانواده‌ها و قربانیان بمب‌گذاری مقرر تفنگداران دریایی بیروت در سال ۱۹۸۳ و بمب‌گذاری برج «خوبر» در عربستان سعودی هستند.^(۱۰) اما وکلای بنیاد علوی اظهار کردند که بنیاد علوی بنیادی مستقل و غیرانتفاعی است که در ایالت نیویورک به ثبت رسیده است و از قوانین و آئین‌نامه‌های این ایالت پیروی می‌کند. بنیاد علوی هیچ ارتباطی با هیچ دولتی ندارد و اعضای هیئت مدیره آن براساس رأی‌گیری و مبتنی بر اساسنامه بنیاد انتخاب شده و می‌شوند.^(۱۱) در قضیه «فلاتو علیه بنیاد علوی» در سال ۲۰۰۰، دادگاه ویرجینیا به منظور تعیین این که بنیاد علوی نهاد دولتی است یا خیر، ضابطه میزان دخالت مقامات رسمی ایران در امور روزانه موسسه را مبنای حکم خود قرار داد.^(۱۲)

پرونده کارکنان سفارت امریکا در ایران: در اواخر سال ۲۰۰۰، دادخواستی توسط ۵۲ تن از کارکنان گروگان گرفته شده سفارت امریکا علیه ایران و خانواده‌های آنها علیه ایران ثبت شد. در اکتبر ۲۰۰۱، چند روز قبل از جلسه استماع اظهارات، دولت امریکا در روند دادرسی دخالت کرد و دادخواست را به دلایل زیر رد کرد: (۱) ایران در زمانی که کارکنان سفارت را گروگان گرفت، جزو

لیست دولت‌های حامی تروریسم نبود به همین دلیل، استثنای دولت‌های حامی تروریسم بر مصونیت دولت‌ها در این پرونده قابل اعمال نیست. (۲) بیانیه الجزایر^(۱۳) که میان ایران و آمریکا در سال ۱۹۸۱ منعقد شده است، مقررات صریح و روشنی در این خصوص دارد.

اصلاحیه سال ۲۰۰۸، موسوم به «قانون مجوز دفاع ملی» آخرین تلاش کنگره در اعطای حق قانونی به کارکنان سابق سفارت آمریکا در ایران است. در قسمت بند (۲) این قانون در مورد صلاحیت شخصی مقرر شد:

دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعاوی زیر را دارد: (ب) دعاوی مربوط به پرونده شماره ۰۰:۱۰ CV03110 نزد دادگاه کلمبیا.

خواهان‌های پرونده رودر^۱ (کارکنان سفارت آمریکا)، با توجه به این مقررہ بار دیگر در سال ۲۰۰۸ علیه جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوی کردند، ولی قاضی پرونده از استماع دعوی خودداری کرد. مطابق استدلال قاضی پرونده حتی قانون سال ۲۰۰۸ هم موجبات فسخ توافقنامه الجزایر را فراهم نیاورده است (Elsa, 2008). براساس بیانیه الجزایر، ایران حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار خسارت پرداخت کرد و قرار شد موضوع جدیدی مطرح نشود، بنابراین موضوع مطرح شده در آمریکا یک موضوع داخلی است و معترضان خواهان دریافت غرامت هستند. آنها می‌گویند اگرچه ایران و آمریکا در بیانیه الجزایر به توافق رسیدند، اما تکلیف گروگان‌های خسارت دیده چه می‌شود؟ دولت آمریکا از محل دریافت جریمه بانک فرانسوی پاریس، به طوری که مالیات‌دهندگان آمریکایی معترض نشوند، این غرامت را پرداخت می‌کند. بنابراین این موضوع مغایرتی با بیانیه الجزایر ندارد.^(۱۴)

پرونده بانک مرکزی ایران: در سال ۱۹۸۳، بر اثر ورود دو کامیون حامل بمب به مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت، ۲۴۱ نظامی آمریکایی کشته شدند. در پی این موضوع دادگاه فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۷، در حکمی خواستار پرداخت مبلغ ۲/۶۵ میلیارد غرامت به خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت و دیگر انفجارها شد. این حکم در سال ۲۰۱۴ تایید شد و قرار شد به بهانه پرداخت غرامت، نزدیک

1. Roder case

به ۲ میلیارد دلار از محل مبالغ بلوکه شده بانک مرکزی ایران برداشت شود. بعد از اعلام حکم اولیه برای برداشت از اموال ایران، بانک مرکزی با استناد به عهدنامه مودت مصوب ۱۹۵۵ میان ایران و آمریکا درخواست تجدیدنظر در حکم صادره را کرد، اما از سوی دیگر، کنگره سال ۲۰۱۲ با تصویب قانونی با عنوان «کاهش تهدیدهای حقوق بشر ایران و سوریه»^(۱۵) مجوز برداشت از حساب بانک مرکزی و پرداخت غرامت به خانواده‌های قربانیان این حادثه را داد (این قانون در بحث دارایی‌های ایران نزد بانک سیتی گروه مقدم بر هر قانون مصوبی در گذشته قرارداد و چنانچه دادگاه ثابت کند دارایی‌های ایران در بانک سیتی گروه متعلق به بانک مرکزی این کشور است، می‌تواند این دارایی‌ها را به عنوان غرامت به خانواده‌های قربانیان بپردازد).

بانک مرکزی در استدلال‌های خود در دادگاه سال ۲۰۱۴، به مسئله تفکیک قوا اشاره کرد؛ زیرا اصل تفکیک قوا در قانون اساسی آمریکا نیز همانند قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده است و بر این اساس، کنگره حق ندارد قانونی را تصویب کند که مربوط به پرونده‌ای است که در دادگاه در حال رسیدگی است. بانک مرکزی همچنین استدلال کرد که آمریکا با اقداماتش از جمله عدم شناسایی مستقل موسسات ایرانی از جمله بانک مرکزی، رفتار ناعادلانه و تبعیض آمیز با این موسسات و اموال و حقوق آنها، قصور در تدارک آزادی توسل به دادگاه‌های آمریکا و نادیده گرفتن مصونیت دولت ایران و بانک مرکزی، مواد عهدنامه مودت را نقض کرده است.^(۱۶)

بانک مرکزی همچنین در دادگاه سال ۲۰۱۶ ادعا کرد که کنگره با تصویب این قانون برخلاف اصل تفکیک قوا^۱ عمل کرده و بر نتیجه پرونده‌ای که در قوه قضائیه آمریکا در حال بررسی بوده اثر گذاشته است. در نهایت دیوان عالی آمریکا در حکم نهایی خود در اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، این فرجام‌خواهی بانک مرکزی را رد کرد و مدعی شد کنگره برخلاف اصل تفکیک قوا در قانون اساسی که اختیارات قوای سه گانه آمریکا را مشخص می‌کند، عمل نکرده است.^(۱۷)



۳. اقدامات ایران

قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران: ایران به منظور عمل متقابل، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران را برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، به تصویب رساند. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸، اقدام به تصویب قانون «صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» نمود که برای اتباع ایرانی این حق را ایجاد کرده که از اقدامات دول خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند، اقامه دعوا کنند؛ قانونی که در سال ۱۳۷۹ با اصلاحیه همراه شد. در سال ۱۳۹۰ نیز این قانون با تحولاتی همراه شد و با عنوان صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آئین‌نامه مذکور نیز در سال ۱۳۹۲، به پیشنهاد وزارتخانه‌های دادگستری، امور خارجه و اطلاعات به تصویب هیئت وزیران رسید. چندین مورد دعوی از سوی خواهانهای ایرانی علیه دولت امریکا نیز بر طبق این قانون در دادگاه‌های ایران مطرح شده است.^(۱۸) از جمله دعوایی علیه ایالات متحده امریکا که در سال ۱۳۸۲ در شعبه سوم دادگاه عمومی تهران مطرح شد، خواهان مدعی بود که در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با دخالت دولت امریکا و کمک‌های مادی عوامل آن انجام شد، دستگیر و مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است و پس از ۵۲ سال هنوز از بیماری ناشی از آن رنج می‌برد و لذا از دادگاه درخواست کرد تا ایالات متحده را به جبران خسارت مادی و معنوی وارده محکوم نماید. دادگاه نیز دولت امریکا را به پرداخت ۱/۴۳۳/۵۷۷/۲۱۱ خسارت مادی و ۲ میلیارد دلار خسارت تنبیهی محکوم کرد (تیسوی، ۱۳۸۴). اما جنجالی‌ترین رأیی که تاکنون درخصوص امریکا در دادگاه‌های ایران صادر شده است، مربوط به تاجری است که در ارتباط با دستگیری توسط ماموران مخفی ایالات متحده در گمرک باهاما برای نقض تحریم‌های امریکا دادخواستی علیه ایالات متحده مبنی بر آدم‌ربایی، حبس خودسرانه، استفاده از زور و ضرب و جرح

به دادگاه عمومی تهران داده بود. دادگاه عمومی تهران هم ایالات متحده را به نیم میلیارد دلار غرامت محکوم کرد. پس از چندی این تاجر موفق شد حکم مصادره ساختمان سفارت امریکا را به منظور اخذ غرامت خود از سازمان ثبت اسناد تهران دریافت کند^(۱۹) که البته این رأی تاکنون اجرا نشده است. البته در صورت توقیف سفارت این عمل مخالف حقوق بین‌الملل خواهد بود؛ زیرا با توجه به بند سوم ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ و بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، سفارتخانه‌ها از مصونیت از توقیف و اجرا برخوردارند و در ماده ۴۵ کنوانسیون ۱۹۶۱، دولت پذیرنده موظف به احترام و حمایت از اموال و بایگانی این اماکن حتی در صورت قطع روابط و اختلاف مسلحانه با دولت فرستنده شده است. به نظر می‌رسد تعداد پرونده‌هایی که علیه ایالات متحده امریکا در سال‌های پس از تصویب این قانون در دادگاه‌های ایران مطرح شده است، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند و این در برابر خیل آرای که علیه کشور ما در ایالات متحده صادر شده است و بعضاً به مرحله اجرا هم رسیده است، اصلاً کافی نیست؛ در ثانی همین آرای هم که علیه ایالات متحده صادر شده به مرحله اجرا نرسیده است؛ زیرا امریکا در ایران اموالی ندارد. تنها دارایی امریکا در ایران ساختمان سفارت آن در تهران است. پس این قانون در عمل بیشتر به یک حرکت سیاسی شبیه است تا اینکه یک عمل حقوقی باشد. به غیر از ایران، دولت کوبا نیز قانونی تصویب کرده است که به شهروندانش اجازه می‌دهد به دلیل نقض حقوق بشر و یا دخالت در امور داخلی کشور علیه ایالات متحده امریکا اقامه دعوی کنند (Elsa, 2008: 44-46).

قانون پیگیری حقوقی - سیاسی نقش و دخالت امریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد: همچنین قانونی در مجلس شورای اسلامی به نام طرح پیگیری حقوقی - سیاسی نقش و دخالت امریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی ایران در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده است که در ماده یک آن آمده است: با توجه به افشا و اعلام رسمی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا مبنی بر دخالت دولت‌های امریکا و انگلیس در طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد علیه کشور ایران و نقض حاکمیت ملی و ورود خسارات سنگین مادی و معنوی به

کشور و دولت، جمهوری اسلامی ایران موظف است کارگروهی را به منظور برآورد خسارات مادی و معنوی وارده به ملت ایران فوراً تشکیل دهد و هر سه ماه یکبار گزارش اقدامات این کارگروه را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. با توجه به اینکه از زمان به وقوع پیوستن این رخداد سال‌های زیادی می‌گذرد، بعید به نظر می‌رسد که شاکیان بسیاری برای تشکیل پرونده بر طبق این قانون وجود داشته باشند.

طرح مقابله با دولت‌ها و نهادهای خارجی حامی تروریسم: در ۲۲ دی ماه ۱۳۹۴ نیز طرحی به مجلس شورای اسلامی داده شده است، تحت عنوان «مقابله با دولت‌ها و نهادهای خارجی و بین‌المللی حامی تروریسم» که در ماده ۶ آن آمده دولت موظف است نهادها و سازمان‌های خارجی بین‌المللی حامی گروه‌های مندرج در فهرست را شناسایی و نسبت به آنها اقدامات تادیبی و تنبیهی مقتضی را اتخاذ کند که در بند ب از تحریم مالی و مصادره اموال آنها در ایران نام برده است. در ماده ۷ این طرح، از وزارت خارجه خواسته شده تا گزارشاتی از فعالیت‌های تروریستی سیا به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بدهد و همچنین در ماده ۸ از کمک‌های اقتصادی امریکا به داعش نام برده شده است. به نظر می‌رسد که بیشتر این قوانین و طرح‌ها از قاطعیت لازم برای مقابله با ایالات متحده امریکا برخوردار نیست و حالت سمبولیک پیدا کرده است.

پیگیری در دیوان داوری ایران و امریکا: در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۹۳، دیوان داوری ایران و امریکا در پرونده الف ۱۵ (چهار) و الف ۲۴ رأی شماره ۶۰۲ خویش را صادر کرد. این پرونده درخصوص شکایات دولت ایران مبنی بر مسئولیت و نقض تعهدات دولت امریکاست که طبق بیانیه الجزایر در ملزم کردن به خاتمه دادن به دعوی اتباع امریکایی علیه ایران در دادگاه‌های ایالات متحده بوده است. در این پرونده در نهایت دیوان ضمن بررسی استدلال‌های طرفین و مستندات موجود، در رأی نهایی خویش به تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۹۳، دولت امریکا را مسئول نقض تعهدات خویش طبق بیانیه الجزایر شناخت و رأی به پرداخت میزانی خسارت مستقیم به ایران کرده است. در بخش پایانی رأی ۱۱۴ صفحه‌ای،

ضمن تصریح به نقض تعهدات از سوی آمریکا برای مختومه کردن دعاوی مورد شکایت ایران آمده است: «با این حساب مطابق حکم حاضر ایالات متحده آمریکا مکلف است به خواهان جمهوری اسلامی ایران مبلغ ۸۴۲ هزار و ۴۶۸ دلار و ۱۴ سنت به اضافه بهره رایج وام بانک تراز اول در ایالت متحده برای دوره‌هایی که مبلغ حکم پرداخت نشده است، پردازد. گرچه رقم این حکم چندان بالا نیست، اما آن را می‌توان سندی معتبر در پیگیری دعاوی ایران و آمریکا به ویژه از حیث ایجاد رویه‌ای برای پیگیری مسائل حقوقی دانست. براساس توافق طرفین در بیانیه الجزایر، دعاوی برای طرح در دیوان باید ناشی از دین یا قرارداد یا ضبط اموال یا هر اقدام موثر در امور مالکیت باشد. همچنین منشا دعوا باید قبل از انعقاد بیانیه الجزایر بوده باشد و همچنین آرای آن به صورت مستقیم قابل اجراست و هیچکس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. براساس «اصل کلی ب» مورد توافق در بیانیه الجزایر، آمریکا مکلف شده بود که تمام اقدامات حقوقی اتباع آن کشور در دادگاه‌های آمریکا را که متضمن ادعاهایی است که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار دارند، مختومه کند. تعهد آمریکا به ختم اقدامات حقوقی در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۶۰، یعنی شش ماه بعد از تاریخ امضای بیانیه‌های الجزایر داده شد (بیانیه الجزایر). این رأیی که به نفع کشور ما صادر شده است گام بسیار مثبتی در مقابله با نقض تعهد دولت آمریکا است، اما باید این نکته را در نظر گرفت که این رأی فقط به پرونده‌هایی مربوط می‌شود که قبل از بیانیه الجزایر علیه دولت ایران مطرح شده‌اند، پس شامل پرونده که به موجب قانون سال ۱۹۹۶ و استثنای دولت‌های تروریسم نمی‌شود و اساساً ما قادر نیستیم این پرونده‌ها از جمله پرونده بلوکه شدن اموال ایران در آمریکا را در دیوان داوری ایران و آمریکا مطرح کنیم.

۴. راهکار مناسب

مذاکرات دیپلماتیک: مذاکرات دیپلماتیک^۱ از رایج‌ترین شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آن را روشی دوستانه و مستقیم که به طور جهانی پذیرفته شده است توصیف می‌کند.^(۲۰) دیوان

همچنین در این روش اضافه می‌کند که نیازی به تأکید بر مشخصات اساسی این روش حل و فصل وجود ندارد. ولی به هر حال آنچه مسلم است مذاکره، نخستین گام و مقدمه توسل به دیگر روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات است و پیش از آنکه یک اختلاف موضوع یک اقدام حقوقی قرارگیرد، در ابتدا باید موضوع را از طریق مذاکرات دیپلماتیک حل و فصل کرد. انعطاف‌پذیری و مؤثر بودن مذاکره به عنوان یک روش انعطاف‌پذیر مناسب در حل اختلاف ایران و آمریکا در زمینه احکام ناشی از قانون محدودیت مصونیت دولت‌ها می‌تواند روشی کارآمد و مؤثر در حل اختلاف به شمار آید. هرچند برخی نویسندگان معتقدند مذاکره ممکن است در برخی اختلافات ناموفق و بی‌تأثیر بوده باشد، لیکن در عمل باعث حل بسیاری از اختلافات نیز شده است (موسی‌زاده، ۱۳۸۸، ۳۶۱، ۳۶۲). اما در شرایط فعلی به خاطر ماهیت روابط ایران و آمریکا امکان‌پذیر نیست.

حضور در دادگاه‌های داخلی ایالات متحده: گرچه به نظر نمی‌رسد که حضور در دادگاه‌های آمریکا روش مناسبی برای دفاع از حقوق ایران باشد، لیکن رویه برخی کشورها نشان از استفاده از این روش دارد. سابقاً برخی کشورهای دیگر هم که متهم به حمایت از تروریسم بودند و در دادگاه‌های ایالات متحده محکوم شده بودند، ایراداتی را بر این احکام وارد کرده بودند. به عنوان مثال سوریه در سال ۲۰۱۰، به طور خاص چند ایراد اساسی را به قانون مصونیت دولت خارجی وارد ساخت: ۱- این قانون ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض می‌کند. ۲- حق دادرسی شایسته سوریه را نقض می‌کند. ۳- منجر به مسائل سیاسی ناعادلانه می‌شود. همچنین استدلالی دیگر که سوریه مطرح کرد، این بود که این قانون مخالف با اصل تفکیک قوای مذکور در قانون اساسی ایالات متحده است؛ چرا که حکم نهایی صادره به موجب بند ۱ ماده ۱۶۰۵، می‌تواند از جانب کنگره یا رئیس‌جمهور ابطال شود (مجنده، ۱۳۹۳).

مسئله‌ای که در این رابطه وجود دارد این است که بیشتر احکامی که علیه ایران در آمریکا صادر شده قطعی شده است و ایران دیگر در داخل آمریکا راه به جایی نمی‌برد. سؤال مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا

حضور در دادگاه‌های امریکا به منزله قبول زیرسئوال بردن حق مصونیت قضایی است؟ با توجه به چند مرحله حضور ایران در نزد مراجع قضایی امریکا، برای پیگیری حقوقی موضوع جهت رفع توقیف دارایی‌های بانک مرکزی و همچنین پرونده الواح هخامنشی، حضور ایران در نزد آن مراجع به منزله قبول صلاحیت ذاتی محاکم داخلی آن کشور در رسیدگی به موضوع نیست بلکه حضور ایران ناشی از اجبار برای جلوگیری از برداشت و رفع توقیف از دارایی‌های بانک مرکزی و همچنین رفع توقیف از الواح هخامنشی بوده است که در پرونده الواح هخامنشی، حضور ایران در دادگاه تاکنون به صدور حکم به نفع این کشور منجر شده است.

در رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری بین آلمان و ایتالیا،^(۲۱) ایتالیا در توجیه استدلال خود، اصلاحات قانون مصونیت دولت‌های خارجی ایالات متحده را مثال می‌زند که برای ارتکاب برخی اعمال ویژه چون «شکنجه و قتل فراقانونی»، در صورتی که از جانب دول حامی تروریسم (طبق فهرست خود ایالات متحده) ارتکاب یافته باشد، مصونیت را نادیده می‌گیرد. دیوان ضمن بیان اینکه حقوق بین‌الملل عرفی، استحقاق دولت به مصونیت را منوط به شدت عمل انتسابی نمی‌کند، در پاسخ متذکر می‌شود که این اصلاحات ۱۹۹۶ قانون مصونیت ایالات متحده، هیچ قرینه و نمونه مشابهی در قانونگذاری سایر کشورهای جهان وجود ندارد.^(۲۲) این رأی دیوان می‌تواند سند خوبی در خصوص اظهارنظر یک مرجع بین‌المللی درباره مسئله مصونیت و استثنای آن باشد. در این پرونده می‌بینیم که علی‌رغم اینکه آلمان قواعد آمره حقوق بین‌الملل را نقض کرده است، ولی دیوان به دلیل عرفی بودن قاعده مصونیت دولت‌ها در نهایت به نفع حفظ مصونیت دولت آلمان رأی داد. به نظر می‌رسد صدور این رأی در دیوان بین‌المللی دادگستری، دلیل بسیار محکمی برای استناد به مصونیت دولت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده است.

استناد به عدم صلاحیت محاکم داخلی در مورد خسارت تنبیهی: فرهنگ

حقوقی بلاک^۱ در تعریف خسارت تنبیهی بیان داشته است: «درجه افزایش یافته‌ای از خسارت‌ها است که در جایی که خواننده در ایراد زبان، رفتار توأم با بی‌احتیاطی، سوءنیت یا خدعه از خود بروز داده است به نفع خواهان حکم داده شود» (Black, 1999, 396). خسارت تنبیهی نوعی خسارت مازاد بر خسارات ترمیمی است که به حکم دادگاه، خواننده به خاطر جسارت و تجری که در رفتار زیانبار خود داشته است، باید به خواهان بپردازد. خاستگاه خسارت تنبیهی در حقوق انگلستان بوده است و با سرعت در سایر کشورهای پیرو نظام کامن‌لو نیز این نوع خسارت تسری پیدا کرده است و بعضی کشورهای پیرو نظام رومی ژرمنی هم ناگزیر از پذیرش این نوع خسارات شده‌اند. اهداف خسارت تنبیهی شامل موارد زیر است: ۱- تنبیه یا مجازات؛ ۲- بازدارندگی و ۳- ترمیم (تقی‌زاده، ۱۳۹۱).

اگرچه در حقوق بین‌الملل پذیرش امکان صدور خسارت‌های تنبیهی در موارد نقض‌های شدید تعهدات آمره بین‌المللی وسیله مفیدی را در اختیار محاکم بین‌المللی برای برقراری عدالت می‌گذارد، اما این مسئله از بحث صلاحیت محاکم داخلی برای صدور احکام تنبیهی آن هم در قالب مسئولیت مدنی دولت‌های خارجی خروج موضوعی دارد؛ زیرا حتی در صورت پذیرش چنین مفهومی نیز (مسئولیت کیفری دولت)، صلاحیت صدور احکام تنبیهی نه به دادگاه‌های داخلی، بلکه به دیوان‌های بین‌المللی اختصاص خواهد داشت. از این‌رو عمل محاکم ایالات متحده آمریکا در صدور احکام تنبیهی علیه دولت‌های خارجی از جمله دولت جمهوری اسلامی، فاقد مجوز و توجیه لازم در حقوق بین‌الملل عمومی است (عبداللهی، ۱۳۹۳).

در پرونده فلاتو علیه جمهوری اسلامی ایران، آلیشا فلاتو دانشجوی شهروند آمریکا در رژیم صهیونیستی به وسیله بمب‌گذاری در اتوبوس توریستی درگذشت. آلیشا به وسیله چند گلوله‌ای که جمجمه‌اش را شکافته بود و به مغزش رسیده بود درگذشت. خانواده فلاتو علیه ایران و مقامات آن دعوی خود را براساس مجازات مرگ موثر را مطرح کردند. خانواده فلاتو درخواست خسارت تنبیهی را نیز کردند.

1. Black

دادگاه توضیح داد که خانواده فلاتو از استثنای دولت های حامی تروریسم منحرف شدند زیرا قانون مصونیت دولت های خارجی خسارت تنبیهی علیه دولت خارجی را ممنوع کرده است. ولی خواهان ممنوعیت قبلی قانون مصونیت دولت خارجی را نادیده گرفت و بیان داشت که قانون مصونیت دولت خارجی در خصوص نوع خسارت ساکت است.

دادگاه فلاتو تشخیص داد که فلاتو علاوه بر خسارت مدنی، مستحق دریافت خسارت تنبیهی نیز می باشد. همچنین دادگاه برای یافتن موضوع صلاحیت به این نتیجه رسید که ایران و دستگاه اطلاعاتی اش به دلیل حمایت مادی و فراهم کردن منابع به گروه تروریستی ای که موجب مرگ آلیشا فلاتو شده است، مسئول هستند. بعد از پرونده فلاتو کسانی که به وسیله گروه های تروریستی صدمه دیده بودند، دولت حامی این عمل را شناسایی می کردند تا علاوه بر خسارت مدنی، خسارت تنبیهی را نیز دریافت کنند. خسارت تنبیهی به عنوان یک اقدام بازدارنده برای کشورهای خارجی خواهد بود که نشان دهد رفتار آنها علیه اتباع ایالات متحده تحمل نخواهد شد. به طور مثال در دعوی والتز علیه جمهوری اسلامی ایران، دادگاه رأی به پرداخت سه میلیون دلار خسارت تنبیهی توسط ایران و سوریه به دلیل کشته شدن عده ای از مردم در بمب گذاری داد. این انفجار در رستوران راش هایلر تل آویو در اسرائیل رخ داد. یک پسر شانزده ساله و پدرش در این حادثه زخمی شدند. پسر پس از مدتی بر اثر جراحات وارد شده درگذشت. خانواده والتز ایران و سوریه را تحت عنوان استثنای حمایت از تروریسم مورد تعقیب قرار دادند. دادگاه والتز بیان داشت که خسارت تنبیهی را در این پرونده به استناد تجدیدنظر اعلام شده در استثنای حمایت از تروریسم در قانون مصونیت دولت های خارجی برای مجازات و تحذیر اقدامات تروریستی حمایت شده از سوی دولت ها ممکن می داند. دادگاه در دعوی آکوستا علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۰، ایران را به پرداخت سه میلیون دلار خسارت تنبیهی به دلیل کمک به شخصی در مجروح کردن دو امریکایی محکوم کرد. اگرچه دادگاه تشخیص داد که شلیک گلوله نسبت به بمب گذاری از خطر کمتری برخوردار است، اما هر دو کشنده

هستند. دادگاه اظهار داشت علی‌رغم سختی عمل، شکی وجود ندارد که قصد ایران در حمایت از گروه‌های تروریستی ایجاد بیشترین خسارت با هدف ارباب و وسیله اقدامات تروریستی است (Hunt, 2013, 444).

در دعوی موسی علیه جمهوری اسلامی ایران،^(۲۳) جمهوری اسلامی ایران به ۱۲ میلیون خسارت مدنی و ۱۲۰ میلیون خسارت تنبیهی محکوم شد. در دعوی هگنا، جمهوری اسلامی ایران^(۲۴) به ۳۲ میلیون دلار خسارت مدنی و ۱۵۰ میلیون دلار خسارت تنبیهی محکوم شد. در دعوی کرونین،^(۲۵) جمهوری اسلامی ایران به ۱/۲ میلیون دلار خسارت مدنی و ۳۰۰ میلیون دلار خسارت تنبیهی محکوم شد. در دعوی سورته،^(۲۶) ایران به ۱۸/۹۶ میلیون دلار خسارت مدنی و ۳۰۰ میلیون دلار خسارت تنبیهی محکوم شد (Elsea, 2008, 69-74) همان‌طور که می‌بینید، در آرای مختلف، خسارات تنبیهی متفاوتی مورد حکم قرار گرفته است و این یکی از ضعف‌های اساسی مکانیزم خسارت تنبیهی است که تعیین میزان آن به نظر قاضی بستگی دارد.

استناد به نظریه مسئولیت: یکی از دفاع‌های متصور در این قضایا آن است که دولت خوانده اثبات کند که فعل یا ترک فعل ارتكابی متناسب به فعل کارگزاران، مقامات رسمی و یا نهادهای دولتی آن کشور نبوده است. این دفاع در قضایایی که مستند به فعل گروه‌های جهادی فلسطینی است مسموع نخواهد بود، زیرا اظهارات و حمایت رسمی ایران از گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی در واقع اقرار به این حمایت است؛ چرا که در چهارچوب قانون استثنای تروریسم صرف حمایت به گونه‌ای که در قانون جزای امریکا تعریف شده جهت انتساب فعل گروه‌های جهادی به خواننده کافی است. ولی در مورد سایر گروه‌هایی که مورد حمایت ایران نبوده‌اند، مانند گروه القاعده این دفاع جای طرح دارد، زیرا نه تنها سیاست رسمی ایران حمایت از این گروه نیست، بلکه بالعکس ایران با این گروه در حال مقابله بوده و لذا انتساب افعال آنان در قضیه ۱۱ سپتامبر به ایران^(۲۷) فاقد شرایط مقرر در این قانون است. از آن جا که اثبات این ارتباط برعهده خواهان است و قاضی در امور مدنی از تحصیل دلیل له یا علیه خواننده معذور است، اگر خواننده در برابر

ادعای خواهان و ادله او اعتراضی به عمل نیاورد، قاضی دلایل خواهان را می‌پذیرد. بنابراین حداقل در قضایایی که مسئولیت انتسابی از ناحیه اقدامات القاعده است، ایران در به چالش کشیدن ادله خواهان در اثبات رابطه ایران و القاعده دفاع قابل استماعی خواهد داشت (کدخدایی، ۱۳۸۹).

طرح مسئله در مجمع عمومی سازمان ملل: با توجه به ماده ۱۴ منشور سازمان ملل متحد، مجمع عمومی می‌تواند برای حل مسالمت‌آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانه بین‌الملل لطمه می‌زند و منشا آن هرچه باشد از جمله وضعیت‌هایی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این منشور است، اقداماتی را توصیه نماید. دولت ایران می‌تواند مسئله نقض حقوق بین‌الملل توسط آمریکا را مطرح کند. آنچه که توسط مجمع عمومی صادر می‌شود، جنبه الزام‌آور ندارد اما اگر بتوانیم نظر مجمع عمومی را به این مسئله جلب کنیم، گام بسیار مثبتی از نظر سیاسی برای کشور ما است. البته با توجه به کثرت هم‌پیمانان آمریکا در مجمع عمومی، کسب اکثریت آرا از جانب کشور ما حتی در صورت اجماع با کشورهای هم‌چون سوریه که در لیست دولت‌های حامی تروریست آمریکا هستند، بسیار ضعیف است. نامه شکایت وزیر امور خارجه کشورمان جناب آقای دکتر ظریف به دبیرکل سازمان ملل متحد، در این راستا اشاره دارد که دولت آمریکا طی چند سال اخیر از طریق اجازه دادن و در واقع تحریک شکات خصوصی برای طرح دعوا در دادگاه‌های داخلی آمریکا علیه دولت‌های خارجی، از جمله جمهوری اسلامی ایران، مستمرا نظم و حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده و به مخاطره انداخته و با محاکمه‌های غیابی، ادعاهایی برای دست‌اندازی به دارایی‌های مردم ایران ارائه شده است. وی از دبیرکل درخواست نموده تا این نامه در دستورکار مجمع عمومی ملل متحد ذیل عنوان 'حکومت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی'^(۲۸) و نیز در شورای امنیت منتشر شود.^(۲۹) همچنین ایران می‌تواند از مجمع عمومی به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل درخواست کند که نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در این مورد خواستار و براساس آن عمل کند.

طرح مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری: عهدنامه مودت در سال ۱۹۵۵ میان دو کشور ایران و امریکا منعقد شده است. در بند ۱ ماده ۴ عهدنامه مودت میان ایران و امریکا آمده است: «هریک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف معظم متعاهد دیگر و اموال موسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد، خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق قانونی آنان که در نتیجه قراردادی به دست آمده باشد، وسایل موثری طبق قوانین مربوطه تهیه و تامین خواهد کرد».

همچنین بند ۲ ماده ۴ اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد، در داخل و قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه آن هم بی‌آنکه غرامت عادلانه آنها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد، غرامت مزبور باید به وجه موثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آنکه گرفته یا در حین گرفتن مال قرار کافی جهت مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد.

در مورد پرونده‌هایی از جمله پرونده بنیاد علوی و دیگر پرونده‌هایی که علیه کشور ایران در ایالات متحده مطرح است، مفاد این ماده از عهدنامه میان ایران و امریکا نقض شده است و با توجه به بند ۲ ماده ۲۱ این عهدنامه که هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت‌بخش فیصله نیابد، به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر این که طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسیله صلح‌جویانه دیگری حل شود (عهدنامه مودت ۱۹۵۵).

لذا ایران می‌تواند به منظور حل اختلاف علیه امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کند. با توجه به صراحت نص عهدنامه مودت و با توجه به کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) عهدنامه مودت میان ایران و امریکا



همچنان به لحاظ حقوقی در روابط طرفین، لازم‌الاتباع است. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای گروگانگیری، سکوه‌های نفتی و همچنین رویه داوری ایران و آمریکا نیز موید همین امر است. در واقع عهدنامه مودت مانند هر سند حقوقی لازم‌الاجرا تا زمان حیات خویش بر روابط حقوقی طرفین حاکم است. بنابراین، فسخ یا اختتام آن در وهله نخست با توجه به متن سند و مندرجاتش امکان‌پذیر است. در بندهای دوم و سوم ماده ۲۳ آمده است که: (۲) عهدنامه فعلی یک ماه پس از تاریخ مبادله اسناد مصوب به اجرا گذاشته خواهد شد. این عهدنامه به مدت ده سال معتبر خواهد بود. (۳) هریک از طرفین معظم متعاقد می‌تواند با دادن اخطار کتبی به مدت یک سال به طرف معظم متعاقد دیگر، در انقضای مدت ده سال اول یا هر موقع پس از آن این عهدنامه را فسخ کند.

با توجه به این که چنین اخطاری از سوی طرفین صورت نگرفته و با توجه به عدم استناد هریک از دو طرف به اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد (اصل ربوس)، به نظر می‌رسد معاهده همچنان در روابط حقوقی طرفین لازم‌الاجرا است. همچنین در قضیه سدکو (۱۹۸۷)، دیوان داوری ایران و آمریکا صراحتاً اظهار داشت: در عهدنامه مودت (۱۹۵۵) همچنان به عنوان قانون قابل اعمال در روابط حقوقی طرفین لازم‌الاجرا و قابل اتباع است. علاوه بر موارد مذکور، به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، دیوان ضمن استناد به موارد متعدد عهدنامه مودت در روابط حقوقی طرفین به طور ضمنی عهدنامه مودت را معتبر، لازم‌الاجرا و قانون قابل اعمال در روابط حقوقی طرفین دانسته است (شهبازی، ۱۳۹۱).

با توجه به موارد فوق‌الذکر، ایران در خرداد ۱۳۹۵ تصمیم گرفت درخواست شکایت خود علیه آمریکا را در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کند. در این دادخواست دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده که اقدامات دولت آمریکا و دادگاه‌های آن کشور با تعهدات این کشور در معاهده مودت و همچنین با موازین زیربند در حقوق بین‌الملل مغایر است. به موجب این دادخواست ایران اعلام کرده که ایالات متحده در چندین مورد از تعهدات بین‌المللی خود از جمله نقض مصونیت بانک مرکزی و نقض حق دسترسی و دفاع برخلاف ماده (۲) (۱) ۳

معاهده مودت، نقض استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها و موسسات و نهادهای وابسته به دولت ایران به ویژه بانک مرکزی، رفتار تبعیض‌آمیز و غیرمنطقی با شرکت‌ها و نهادهای مستقل دولتی ایرانی از جمله بانک مرکزی و نادیده گرفتن حقوق و منافع مکتسبه و حقوق قراردادی آنها و توقیف و مصادره اموال آنها در مغایرت با ماده (۱) ۴ و (۲) ۴ معاهده فوق‌الذکر، اعمال محدودیت در پرداخت و انتقال وجوه و آزادی تجارت بین دو کشور به خلاف مواد (۱) ۷ و (۱) ۱۰ معاهده و نقض مصونیت دولت ایران و شرکت‌ها و نهادهای مستقل دولتی به ویژه بانک مرکزی بر خلاف مواد (۱) ۳ و (۴) ۱۱ معاهده و نیز بر خلاف الزامات حقوق بین‌الملل، در معاهده مذکور تخلف کرده است.^(۳۰) هنوز دیوان نظر خود را در مورد صلاحیت پذیرش این دعوی اعلام نکرده است.

نتیجه‌گیری

بی‌شک قانون محدودیت مصونیت دولت خارجی امریکا زیان‌های اقتصادی بسیاری را به کشور ما وارد کرده و در آینده نیز وارد خواهد کرد. پرونده‌های بسیاری علیه کشور ما در دادگاه‌های ایالت متحده مطرح شده است که منجر به محکوم شدن کشور ما به میلیاردها دلار خسارت شده است. خطر دیگری که ایران را تهدید می‌کند، این است که کشورهای دیگر نظیر کانادا به پیروی از امریکا حق مصونیت دولت‌ها را خدشه‌دار کنند و به این ترتیب اموال ایران در سایر کشورها هم به مخاطره بیفتد و چه بسا تکرار این عمل از سوی چندین کشور این بدعت حقوقی را تبدیل به رویه قضایی سازد. این قانون همانطور که بارها گفته شده است، مخالف قواعد مسلم حقوق بین‌الملل است. به نظر می‌رسد بهترین روش برای احقاق حقوق ایران در درجه اول مذاکرات دیپلماتیک و توجه دادن به دولت امریکا در مورد مسئولیت بین‌المللی این کشور در قبال احکام دادگاه‌های داخلی این کشور است. شرکت کردن نمایندگان کشور ما در دعاوی که علیه ایران در دادگاه‌های ایالات متحده برگزار می‌شود، نمی‌تواند گام مثبتی برای جلوگیری از پیمان شدن حقوق و منافع ملی کشور ما باشد. تنها حسن این روش جلب توجه به نقض قاعده مصونیت دولت‌ها و نقض حقوق بین‌الملل در محاکم داخلی خواهد بود. علی‌رغم همه

اختلاف نظرهایی که در خصوص مصونیت دولت‌ها وجود دارد، رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه مصونیت‌های صلاحیتی دولت (آلمان در برابر ایتالیا)، به عنوان مرجعی بین‌المللی نشان داد که عملکرد ایالات متحده نمی‌تواند عرف جدیدی را در این زمینه ایجاد کند. از طرفی کمک‌های مالی ایران به برخی از گروه‌ها که توسط امریکا مطرح می‌شود، امری نیست که با ادله محکمی ثابت شده باشد؛ از جمله گروه‌هایی همچون القاعده که بارها دولت ایران اقدامات آنها را محکوم کرده است. محکوم شدن یک دولت به خسارت تنبیهی توسط دولتی دیگر با توجه به قاعده حاکمیت برابر دولت‌ها امری نیست که مورد قبول موازن حقوق بین‌الملل باشد. این مسائل همگی نشان از این دارد که دولت امریکا با تصویب این قانون موازن حقوق بین‌الملل را نقض کرده است و این مسئله می‌تواند برگ برنده‌ای برای دولت ایران به منظور دفاع در مجامع بین‌المللی باشد. از طرفی وجود عهدنامه مودت میان دو کشور ایران و امریکا و با توجه به این که اعتبار این عهدنامه به لحاظ انعقاد آن محل تردید نیست و عملکرد ایران و امریکا طی سال‌های پس از انقلاب آشکارا حاکی از اعتبار آن عهدنامه است و پذیرش صلاحیت دیوان در این عهدنامه توسط دو کشور می‌تواند سند محکمی برای دفاع ایران در دعوی خود علیه امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری باشد. با توجه به رأی دیوان در دعوی فوق‌الذکر و عدم کارآیی جدی سایر روش‌ها به نظر می‌رسد بهترین گزینه برای احقاق حق ایران اقامه در دیوان بین‌المللی دادگستری خواهد بود.

یادداشت‌ها:

1. Schooner Exchange v. McFaddon, 11 U.S. (7 Cranch) 116 (1812), available at <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/11/116/case.html>.
2. United States: Foreign Sovereign Immunities Act of 1976 1605(a), 1607 , Available at: http://archive.usun.state.gov/hc_docs/hc_law_94_583.html.

۳. پرواز شماره ۱۰۳ خطوط هوایی امریکا یکی از پروازهای پان‌امریکن بود. این پرواز سومین پرواز در روز بر فراز اقیانوس اطلس از فرودگاه هیترو لندن به مقصد فرودگاه بین‌المللی جان اف کندی نیویورک بود که در روز چهارشنبه، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ انجام شد. هواپیما — بوئینگ ۷۴۷-۱۲۱ با شماره دم N739PA که هم‌چنین هواپیمای باسرعت دریاها خوانده می‌شد. — بر فراز این مسیر در حال حرکت بود که توسط بمب با ۲۴۳ مسافر و ۱۶ نفر خدمه متلاشی شد. ۱۱ نفر هم در لاکربی در جنوب اسکاتلند به هنگام سقوط این هواپیما در این شهر و ویران کردن چند خانه جان خود را از دست دادند تا مجموع قربانیان این حادثه به ۲۷۰ نفر برسد؛ به همین دلیل نیز این حادثه با عنوان سانحه لاکربی نیز شناخته می‌شود.

۴. یوسف سیسیپیو و دیوید جاکوبسن و یک تبعه دیگر امریکایی به نام فرانک رید که دو مدرسه خصوصی را در بیروت اداره می‌کردند. این افراد توسط حزب‌الله لبنان دستگیر شدند. جاکوبسن بعد از حدود یک سال و نیم، رید بعد از سه سال و نیم و سیسیپیو بعد از ۵ سال و سه ماه آزاد شدند. در ۲۷ آگوست ۱۹۹۸ این سه تبعه امریکایی حکمی به مبلغ ۶۵ میلیون دلار از بابت خسارات تنبیهی علیه دولت ایران به دست آوردند.

5. Antiterrorism And Effective Death Penalty Act of 1996 (A) Exception to Foreign Sovereign Immunity for Certain Cases.—Section 1605 of title 28, United States Code, is amended available at Taylor v. Islamic Republic of Iran, 811 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2011); Estate of Doe v. Islamic Republic of Iran, 808 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2011); Haim v. Islamic Republic of Iran, 784 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2011); Owens v. Republic of Sudan, 412 F. Supp. 2d 99 (D.D.C. 2006) see Hunt, 2013,

pp 434-458.

6. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2008, p1001 available at <https://www.govtrack.us/congress/bills/110/hr4986/text>.

7. S.2040—114th Congress (2015-2016) Justice Against Sponsors of Terrorism Act Available at: <https://www.congress.gov/bill/114th-congress/senate-bill/2040>.

۸. کمیته سنای امریکا بهمن ماه سال ۹۰ لایحه پیشنهادی فروش و حراج آثار و اشیای باستانی ایران را که در موزه‌ها یا دانشگاه‌های آن کشور نگهداری می‌شوند را با هدف پرداخت غرامت به ۲ خانواده یهودی که خانواده خود را در یک بمبگذاری در اورشلیم از دست دادند، به سنای امریکا ارائه کرد.

9. Islamic Republic of Iran V Field Museum Of Natural History, et al Appeal from the United States District Court for the Northern District of Illinois, Eastern Division. No. 03 C 937 ARGUED APRIL 23, 2015.

10. <https://www.justice.gov/.../manhattan-us-attorney-a>.
<http://baharnews.ir/news/36902/>.

11. www.alavi-bonyad.com.

12. Flatow v Alavi foundation 225 F.3d 653 (4th Cir.(Md.) July 24, 2000) available at <http://uniset.ca/islamicland/999FSupp1.html>.

۱۳. دولت امریکا متعهد شده است که از طریق اعمال ترتیبات پیش‌بینی شده در بیانیه مربوط به حل‌وفصل ادعاها و ارجاع دعاوی به حکمیت مرضی‌الطرفین، تمام اقدامات حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن ادعاهای اتباع و موسسات امریکایی علیه ایران و موسسات دولتی آن است، خاتمه داده، کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو، سایر دعاوی براساس چنین ادعاهایی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن آنها را فراهم نماید.

14. www.irdiplomacy.ir.

15. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 available at https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Documents/hr_1905_pl_112_158.pdf.

16. United States Court of Appeals, Second Circuit. Deborah D. PETERSON, et al., Plaintiffs–Appellees, v. ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN, et al., Defendants–Appellants.*No. 13–2952–CV. Decided: July 09, 2014 Available at: <http://caselaw.findlaw.com/us-2nd-circuit/1671996.html>.

17. Supreme Court of the United States, No. 14–770, Bank Markazi, AKA the Central Bank of Iran, Petitioner V. Deborah Peterson, Et Al. On Writ Of Certiorari to the United States Court of Appeals for the Second Circuit

April 20, 2016.

۱۸. در شعبه ۵۵ مجتمع قضایی شهید بهشتی، کاپیتان هوشنگ شهبازی رسماً از دولت آمریکا شکایت کرد. بخش‌هایی از دادخواست شهبازی علیه دولت آمریکا بدین شرح است: ایالات متحده آمریکا با انگیزه‌های سیاسی باعث اعمال تحریم هواپیمایی ایران شده است و با علم و اطلاع از اینکه شهروندان مدنی ایران اعم از زن، مرد و کودک سوار این هواپیماها می‌شوند، اقدام به این تحریم‌ها کرده است که این اقدام به ایمنی پروازها تأثیرات منفی گذاشت. با در نظر گرفتن اینکه مخاطبین و متضررین این تحریم‌ها شهروندان ایران هستند. ساختار این تحریم مصداق عینی جنایت علیه بشریت است. بخشی از این شکایت موضوع ضرر و زیان شخص کاپیتان شهبازی است؛ چرا که بعد از اتفاقاتی که در مورد احتمال سقوط هواپیما برایش رخ داد، مجبور به استعفا شد و حالا خانه‌نشین است.

19. <http://www.csmonitor.com/2003/0203/p06s01-wome.html>.

۲۰. رجوع کنید به رأی دیوان راجع به قضیه فلات قاره دریای شمال، ۱۹۶۹، صفحه ۴۸۰، بند ۸۶.

۲۱. در سال ۲۰۰۸، جمهوری فدرال آلمان، دعوی را علیه جمهوری ایتالیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری طرح کرد. ایتالیا با ادعای حقوقی یک شهروند ایتالیایی به نام آقای فرینی علیه دولت آلمان مواجه بود مبنی بر اینکه نیروهای آلمان نازی در طی اشغال ایتالیا در خلال جنگ جهانی دوم، بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵، وی را جهت کار اجباری به آلمان فرستاده بودند و به همین دلیل وی خواستار جبران خسارت ناشی از این جابه‌جایی و کار اجباری بود. پیش از این دادگاه بدوی و تجدیدنظر فلورانس، این دعوا را با توجه به قاعده عرفی مصونیت قضایی دولت‌ها در امور حاکمیتی رد کرده بود. لیکن دیوان عالی ایتالیا این موضع را نپذیرفت و با استناد به نقض قواعد آمره حقوق بشر و اینکه قواعد آمره در رأس سلسله مراتب قواعد حقوقی بین‌المللی قرار داشته و لذا بر سایر قواعد عرفی و معاهده‌ای از جمله قاعده عرفی مصونیت قضایی دولت‌ها ارجحیت دارند. آلمان دعوی خود مبنی بر نقض مصونیت خود توسط ایتالیا را در دیوان مطرح کرد. ایتالیا هم دعوی متقابلی را علیه آلمان مطرح کرد که مورد قبول دیوان به دلایل شکلی واقع نشد. در نهایت دیوان در رأی خود ایتالیا را ناقض مصونیت دولت آلمان دانست.

22. ICJ judgment, op cit, para. 88.

23. Mousa v. Islamic Republic of Iran, 238 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2001).
available at <http://www.lawcitations.com/case/n/leah-s-mousa>.

24. Hegna v. Islamic Republic of Iran, No. 1:00CV00716 (D.D.C. 2002)
available at <http://openjurist.org/380/f3d/1000/heгна-v-islamic-republic-of-iran>.



25. Cronin v. Islamic Republic of Iran, 238 F. Supp. 2d 222 (D.D.C. 2002) available at <https://www.courtlistener.com/opinion/2417775/cronin-v-islamic-republic-of-iran/>.
26. Surette v. Islamic Republic of Iran, 231 F. Supp. 2d 260 (D.D.C. 2002) available at <https://casetext.com/case/surette-v-islamic-republic-of-iran-2>.

۲۷. یک دادگاه در نیویورک نیز در دسامبر ۲۰۰۲، جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های اسلام‌گرای یادشده را در حملات یازدهم سپتامبر مجرم شناخته بود. شبکه تروریستی القاعده و رهبر پیشین آن اسامه بن لادن مسئولیت حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ را برعهده گرفتند، در این حملات هواپیماهای مسافربری به برج‌های دوقولوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک و همچنین ساختمان وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) در واشینگتن کوبیده شدند. جمهوری اسلامی ایران هرگونه دخالت در حملات تروریستی یازدهم سپتامبر را رد کرده است.

۲۸. اعلامیه جلسه سطح عالی مجمع عمومی درباره حکومت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی در شصت و هفتمین جلسه مجمع عمومی در ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ به تصویب رسید.

29. <http://www.presstv.ir/Detail/Fa/2016/04/29/463062/Iran-US-UN>.

30. <http://www.voltairenet.org/article192384.html>.

منابع

الف) فارسی

- حبیب‌زاده، توکل، بهمن تاجانی، شهرام. ۱۳۹۱. اعمال قانون مصونیت دولت‌های خارجی امریکا: حاکمیت قانون یا تمکین محاکم از قوه مجریه، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۵، صص: ۲۵۹-۲۹۰.
- تقی‌زاده، ابراهیم، خسروی فارسانی، علی. ۱۳۹۱. ماهیت و آثار «خسارت تنبیهی» در حقوق کامن‌لا، دانش حقوق مدنی، دوره ۱، شماره ۱.
- تیوای، محمد. ۱۳۸۴. علیه دولت ایالات متحده، مجله چیستا، شماره ۲۲۴.
- حبیبی مجنده، محمد، حسینی آزاد، سیدعلی، رحیم خوبی، الناز. ۱۳۹۳. نقد عملکرد ایالات متحده امریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل در رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱.
- شهبازی، آرامش. ۱۳۹۱. اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده، مجله حقوقی بین‌المللی مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۴.
- ظاهری، علیرضا. ۱۳۸۳. تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده امریکا، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سی‌ام.
- عبداللهی، محسن. ۱۳۸۳. خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سی‌ام.
- کدخدایی، عباس، داعی، علی. ۱۳۸۹. سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا، حقوقی بین‌المللی.
- موسی‌زاده، رضا. ۱۳۸۸. حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهاردهم.
- نوری، اسدالله. ۱۳۷۸. نظریه دولت در ایالت متحده امریکا و استثناء عهدنامه‌های آن، ترجمه زهرا ضیافتی صباغ، قابل دسترس در <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=956> تاریخ بازدید: ۹۴/۶/۴.

- Eisea, Jennifer. 2008. **Suits Against Terrorist States by Victims of Terrorism**, Congressional Research Service.
- Hunt, Sivonna. 2013. The Foreign Sovereign Immunities Act the Roadblocks to Recovery, **Seventh Circuit Review**.
- Noori Assadollahe. 1999. **The Act of State Doctrine in the United States and the Treaty Exception to It, Liber Amicorum, Bengt Broms**, Celebrating His 70th Birthday Finish Branch of the International Law Association, Helsinki, pp. 329 – 350.
- Stewart, David. 2013. **The Foreign Sovereign Immunities Act a Guide for Judges**, Federal Judicial Center International Litigation Guide.
- Tavassoli Naini Manuchehr. 2016. Immunité Juridictionnelle Des Etats, Éditions Universitaires Européennes.